

# سرامی کُشت!



بازی کند اما به لحاظ روحی حلول در قلب شخصیت پربینج و خم داستان، او را آزار داده و برایش عذاب آورده است. حتی بعد از پایان فیلم نیز تا مدت‌ها درگیری او با آزارهای این شخصیت نقاش قاتل پایان نداشته است.

**در باره شخصیت «جمشید فریدا» بگوئید که چگونه است؟**  
فریدا داستان نقاشی است که به دلیل مسائلی که در کودکی برایش پیش آمده است، افکارش با دیگر آدم‌های عادی فرق می‌کند. حس انتقام‌جویی دارد و به دلیل گذشته ناخوشایندی که داشته در پی جبران این گذشته بد است. او نقاشی است که دوست دارد جای رنگ قرمز در نقاشی‌هایش از خون استفاده کند. زملی که فیلمنامه را خواندم بسیار دوست داشتم این شخصیت عجیب را بازی کنم. من نزدیک ۶ تا ۷ ماه با این شخصیت زندگی کردم و «جمشید فریدا» بسیار اذیتم کرد. خیلی‌ها شاهد بودند که من ۶ ماه تمام در یک اتاق با او زندگی کردم، نقاشی کردم، خندیدم، گریه کردم و در افکارم آدم کُشتم. هر چند این شخصیت بسیار به لحاظ روحی مرا عذاب داد اما خودم از نتیجه کارم راضی‌ام و خوشبختانه مخاطبان هم این فیلم را دوست داشتند و از آن استقبال کرده‌اند.

**در باره این شخصیت جقدر تحقیق و بررسی داشتید و با هنرمندان نقاش هم در باره چنین شخصیتی مشاوره داشتید؟**  
فیلمنامه را که خواندم درباره هر دو نقاش زن و مردی که به این شکل جنایت می‌کردند، بیشتر مطالعه کردم و جزئیات زندگی آنها را بیرون کشیدم. با یک استاد نقاشی به نام استاد محمود هم در ارتباط بودم و آثارش را دیدم و بسیار به من کمک کرد و از سال‌ها تجربه‌اش استفاده کردم تا شخصیت مورد نظر کارگردان را خلق کنم. همچنین از تابلوهای نقاشی اونیز در کار استفاده کردیم.

**بازی در نقش یک نقاش جانی که به گفته خودتان شش ماه با او زندگی کردید، بعدها جقدر روی روحیه شما تأثیر گذاشت؟**  
بازیگری به نوعی دیوانگی است. من همه لحظات این آدم را از نزدیک زندگی کردم. نفرت و آدمکشی ولنت بردن از شکنجه آدم‌ها را دیدم و خیلی آزارم داد. اواخر فیلمبرداری خیلی اذیت می‌شدم. من صادقانه این آدم را دیدم و لمس کردم. حتی در پلاتو و در زندگی‌ام یکی دوبار او را دیدم و جدا شدن از این آدم هم برام سخت بود. چهار ماه زمان برد برای این که این آدم و این شخصیت از من دور شود. برای آن که این شخصیت را از خودم دورتر کنم حتی تمام موهای سرم و ریشم و سیبلم را زدم چون در آینه هم او را می‌دیدم.

**چطور این نقش به شما پیشنهاد شد؟**  
آقای شایسته کارگردان این فیلم را قبلاً می‌شناختم و بازی من را دیده بودند. من جایی تمرین می‌کردم و ایشان بازی من را دید و رزومه‌ام را در آورد و بعد هم به من پیشنهاد بازی در این نقش را داد و گفت دوست دارم این نقش را شما بازی کنید، چون فکر می‌کنم نقشی مناسب شماست و زمانی که فیلمنامه را خواندم من هم بسیار دوست داشتم.

**چه مشکلاتی را پشت سر گذاشتید؟**  
ما یک گروه مستقل هستیم و این فیلم با هزار مشکل ساخته شد. فیلمنامه در ابتدا یک فیلمنامه کوتاه بود اما بعد دیدیم که قابلیت تبدیل به فیلم بلند را دارد و برای این که این فیلم ساخته شود، سختی‌های بسیاری را به جان خریدیم. من حتی موتورم را فرفر و ختم و دیگران هم خیلی کمک کردند تا فیلم ساخته شود! اما اگر می‌توانستیم سرمایه بیشتری داشته باشیم، این قابلیت را داشت که ۱۲ دقیقه دیگر به آن اضافه شود. دوست داشتیم حمایت شویم اما نتوانستیم این حال در زمان پخش این فیلم همچنان به حمایت مردم و مخاطبان نیاز داریم و خوشبختانه که در حال حاضر بازخوردهای مخاطبان هم خوب بوده است.

**پیش از این چنین نقشی را تجربه کرده بودید؟**  
«کوئیسیم» رسمی‌ترین کار حرفه‌ای من بود. البته حدود شش هفته کار دیگر بازی کرده بودم اما در این فیلم همه بار بازی روی دوش من بود. گریم هم روی صورتم خوب نشست و به شکل‌گیری این شخصیت بیشتر کمک کرد.

**باز خوردهایی که از نقش آفرینی خودتان در این فیلم گرفتید چطور بود؟**  
خیلی عالی بود و خدا را شکر می‌کنم. زمانی هم که فیلم را می‌ساختیم من می‌گفتم که این فیلم به اندازه هزینه‌ای که برایش می‌کنیم و یک گروه مستقل هستیم، فیلم خوبی است. هزینه تولید این فیلم شاید به اندازه هزینه پذیرایی و شام و ناهار پر روزهای دیگر باشد اما با همکاری یک گروه از عوامل بسیار خوب ساخته شد و من هم همه توابع را گذاشتم تا بهترین نقش آفرینی را داشته باشم و از همان ابتدایه موفقیت فیلم ایمان داشتم و خدا را شکر که هم‌اکنون هم بازخوردهای خوبی را شاهد هستیم.

جهانی جایزه بگیرند. این موج فیلمسازی از زمان سینمای عباس کیارستمی آغاز شد و تا همین امروز و سینمای اصغر فرهادی ادامه یافته است. اگر چه آن چه این فیلم‌ها نشان می‌دهند، واقعیت است اما چرا باید فقط درباره نگویند یا فیلم بسازیم؟ این پرسش نسل جوان است.

**ما فیلم‌هایی را در دنیای بینیم که نسبت به آنها بسیار عقب‌تریم. دلیل این دورافتادگی چیست؟**  
نسل جوان می‌خواهد نوآوری داشته باشد و روی موجی که از سال‌ها پیش در سینما وجود داشته است، حرکت نکند و به این دلیل سراغ فیلم‌های درام نمی‌رود. نسل امروز سعی دارند نگاه جدیدی را در فیلمسازی داشته باشند و در تئاتر هم این اتفاق افتاده و جواب داده است.

**جمشید بهادری:**

**۶ ماه با یک قاتل زندگی کردم**

جمشید بهادری که به گفته خودش رسمی‌ترین بازی خود را در فیلم «کوئیسیم» تجربه کرده است، برای بازی در نقش «جمشید فریدا» شش ماه با تصور یک قاتل زندگی کرده تا بتواند بهترین نقش آفرینی را داشته باشد؛ نقشی که اگر چه دوست داشته آن را

حمایت‌های دولتی برخوردار نیست و ارگان‌های دولتی مانند فارابی و حوزه هنری نیز فقط از فیلمنامه‌های مشخصی حمایت می‌کنند. بنابراین فیلمساز مستقل باید بتواند روی پای خودش بایستد.

**برای بخش بین‌المللی هم برنامه‌ای دارید؟**  
در حال پخش بین‌الملل هم هستیم چون راضی‌کننده‌تر از پخش داخلی است. این فیلم برای فستیوال‌های مختلف بین‌المللی از جمله جشنواره بوسان کره جنوبی و جشنواره‌های انگلیس و آمریکا ارسال و پذیرفته شده است.

**برای فیلم بعدی هم طرح و سوزو‌های دارید؟**  
بله. فیلم بعدی من با نام «سوفیا» داستانی با تم اکشن و جنایی است و درباره دختری است که یک نرم‌افزار بازی را طراحی می‌کند. با شرکت در این بازی باید تا مرحله آخر پیش برود تا دستبندی که به دست‌تان است باز شود.

**ژانر معمایی - جنایی مورد علاقه بسیاری از فیلمسازان جوان است به نظر می‌رسد که شما هم به فیلمسازی در این ژانر علاقه دارید.**

بله. سینما گفتمانی جهانی است و نمی‌توانیم فقط در کشور خودمان حرف بزنیم. سینمای قبل از نسل ما شامل فیلم‌هایی بود که کشورمان را تیر هبخت و بینوا نشان می‌داد تا بتوانند از جشنواره‌های